

مردد میان فلسفه و جامعه‌شناسی

منوچهر آشتیانی با فلسفه چه معامله‌ای می‌کرد؟

انتظارات ملتهب آرامشی نگیرد. پایان دادن یک نظام تفصیلی در یک لحظه‌ی باید ابدی و قرار دادن آدمی در کناره‌ی افسوس و ای کاش است. آن چه که باعث می‌شد هگل به ناگاه در کانون توجه قرار گیرد؛ به ویژه در دانش‌نامه فلسفی اش کوشید تا جنبه تحقق‌مندی بایدهای فیخته‌ای را در دستورکارش قرار دهد و این پیام را منتقل کند که می‌شود فاصله‌ی کانتی میان باید و هست را به گونه‌ای غیر جزمین ترمیم کند. در نظر هگلینیسست‌ها، فلسفه با هگل به کمال و اوج خودش رسیده است و معقوله‌های بنیادین برای فهم کل جهان در اختیار قرار گرفته است.

هگلی‌های جوان با ایده‌ی کمال فلسفه در نظام هگلی رابطه‌ی متناقضی داشتند؛ چون از سوئی، سودای شکل دیگری از فلسفه نزد برخی از آن‌ها دیده می‌شد، چنان‌چه «فویر باخ» در رساله ضرورت اصلاح فلسفه به دنبال آن بود و بدین معنا است کسانی مانند او پایان یافتن فلسفه را نمی‌پذیرفتند و از سوی دیگر با فرض درست بودن این کمال تلاش می‌کردند فلسفه را به تعبیری مارکسی کله‌پا کنند.

فویرباخ تلاش هگل برای تشخیص تمام معقوله‌های نظری برای فهم جهان را با تاریخیت اندیشه در تعارض می‌داند و از پیروان استاد که معتقدند فلسفه‌اش خود فلسفه است یا فلسفه مطلق است، گلایه می‌کرد ولی از سوی دیگر با هر استاد دانشکده الهیات جهان و فلسفه را ذاتا ناسازگار می‌دانست. مارکس بعد از قطع امید از فلسفه‌ی موجود، مسئله را نه فهم جهان بلکه تغییر جهان می‌دانست؛ گویی همه‌ی آن‌ها را در کمال فلسفه‌ی هگلی زمینه‌ای مناسب برای برانداختن آن از تخت بنیاد همه چیز می‌دانست. شاید بهتر بود فلسفه از همان آغاز استعاره‌ی معمارانه‌ای مینا را برای خودش بر نمی‌گزید و استعاره‌ی سقراطی، مش راه رفتن یا واسط گفت‌وگوی دانش‌ها را آویزه‌ی گوش خودش می‌کرد؛ گرایش به ایجاد درنگ دارد که با کنشگری پرشور ملتهب نمی‌سازد.

آشتیانی دوران بلوغ پس از سال‌ها مشارکت در حساس‌ترین تب‌وتاب‌های روشنفکرانه و سیاسی معاصر، از وقتی در فلسفه و جامعه‌شناسی دکتر شده بود، در

نصر از یک طرف، آیت‌الله امام خمینی (ره) و آیت‌الله مطهری (ره) از طرف دیگر با انواعی ولو متعارض از سیاست پیوندی جدی پیدا کند. در فضای دانشگاهی جریان‌هایی از فلسفه جدید در کنار فلسفه دکارتی، فلسفه فرانسوی «برگسون» و فلسفه آلمانی «مارتین هایدگر» شکل گرفته و طرفدارانی پیدا کرده بودند.

مرحوم آشتیانی تحت تاثیر سیداحمد جوان با این نوع از فلسفه‌ورزی آشنا بود؛ هر چند پیش از اینکه از ایران خارج شود، تعلق جدی نداشت. مرحوم آشتیانی در نوشته‌های مربوط به فلسفه‌اش بارها علیه «هایدگر» موضع منفی گرفته ولی همیشه از «فردید» با احترام و دل‌بستگی زیاد یاد می‌کرد، ولی آن چه که از درون مایه برگسونی، هایدگری و فردیدی برای آشتیانی به یادگار باقی مانده بود، توجه ناقص آمیزی به برخی افکار عرفانی و الهیاتی با خوانشی مدرن بود. این جلب توجه با زمینه‌های الهیاتی خانوادگی او نسبت داشت؛ از سوی دیگر گرایش مارکسیستی آشتیانی در قالب تئوریک ناگزیر از توجه به الهیات بود و سنت هگلی‌های جوان سده ۱۹ را تداعی می‌کرد.

در نوشته‌های آشتیانی توجه‌های او از سوئی منتقدانه و حتی گاهی با الفاظ تند ناسزاگونه صورت می‌گرفت. برای مثال: «افکار الهیات، غزالی» را ابلهانه می‌خواند و گاهی هم لحن رمانتیک و دلچسب به خود می‌گرفت که گویی از اعماق جاننش برمی‌آید؛ به ویژه در مورد «مولانا، آگوستین» و حتی برخی عبارت‌های برگرفته از کتب مقدس. همه کنجکاو چنین کالبدی بودند که فلسفه را به سرانجام همیشگی برسانند. اشتیاق به پایان یا اوج یک چیز می‌تواند تمایل به مرگ آن هم باشد.

نخستین نامزد پایان فلسفه «فیخته» بود. در همین هنگام هگل رساله‌ای به نام تفاوت نظام‌های فلسفی فیخته و شلینگ نوشت تا شاهده‌ی بیابور برای اینکه فلسفه با فیخته به پایان نرسیده است و در غیر این صورت شلینگ سخنی نو ندارد ولی آرام‌آرام خود هگل نامزد دریافت همچین لقبی شد.

فلسفه فیخته به یک باید ختم می‌شد و همین موجب شده بود با فلسفه وی

میثم سفیدخوش پژوهشگر

فیلسوفان همیشه خواهان کرسی مینا بودند و دانش خود را برتر می‌دانستند. رقبای فرهنگی آن‌ها همیشه به طریق‌های مختلف می‌خواستند این کرسی را از زیر پای فلسفه بکشند و آن را شایسته این نشیمن‌گاه ندانند. اهل الهیات و کلام تجربه‌ی زیادی در این کار دارند، حتی در مقاطع طولانی و سرنوشت‌سازی توانستند فلسفه را تنزل رتبه بدهند.

در اروپا در سده ۱۹ گونه‌ای جدیدی ظاهر شدند که نه تنها چهره‌ای الهیاتی نداشتند، بلکه ظاهراً با دین و اندیشه الهی ستیز هم داشتند که در آغاز به هگلی‌های جوان معروف شدند و به پیروی از داوید فریدریش اشتراوس درگیر پژوهش‌های جدی و درازدامن الهیاتی می‌شدند. اینکه پژوهش‌ها به مثابه یکی از ارکان اندیشه و زندگی رایج صورت می‌گرفت، سخن درستی است اما از جهت دیگر دلیلی برای توضیح است که چرایی مراجعه سوسیالیستی‌های آلمانی به الهیات، دست‌آموزی از الهیات برای چیرگی بر فلسفه یا سلب جایگاه و مقام مبنای همه چیز است که اهل فلسفه یا دانشمندان دانش دیگر این جایگاه را برایش قائل بودند.

زندگی خانوادگی آشتیانی به طور طبیعی پیوندهای ناگسستنی با ادبیات، سیاست و دیانت داشت؛ هر چند که نسبت آشتیانی با این سه، تا اندازه‌ای منحصر به فرد بود ولی این سه حیطه تنها نمایان‌گر جهان زیستی شخصی ایشان نبود، بلکه در زیستگاه معمول روشنفکری ایرانی سال‌های پس از نهضت مشروطه، همین سه حوزه در هم فرورفته بود. کنشگران ادبیات و سیاست رابطه‌ی متناقضی با دیانت داشتند. بیشتر در حکم حیاط خلوتی بود برای کناره‌گیری از هیاهوی پردردسری که آن سه (ادبیات، دیانت، سیاست) به راه انداخته بودند.

در تهران، قزوین و کمی بعد در قم آرام‌آرام حکمت صدرایی در تدارک جمع کردن نیروهای خودش برای ارائه تصویری اطمینان‌بخش از جهان گم‌شده ولی رویایی بود که بعدها توسط سیدحسین

درآمدی بر تاریخ جامعه‌شناسی شناخت



انتشارات پگاه
روزگار نو
۱۳۹۹

این کتاب از جامعه‌شناسی شناخت سخن می‌گوید و آن را از نظر ماهوی و جایگاهش در تاریخ اندیشه بررسی می‌کند. سپس به جامعه‌شناسی شناخت در آرای اندیشمندان مهم این حوزه همچون ویلهلم یروزالم، امیل دورکهایم و ماکس شلر می‌پردازد و پس از آن جامعه‌شناسی شناخت در دوران جدید را بررسی می‌کند. در فصل پایانی نیز، بحث‌های توضیحی و انتقادی این حوزه را مطرح می‌کند.

فلسفه کانت در آینه‌ی آثار او



پژوهشگاه علوم انسانی
۱۳۹۶

در این کتاب آرای امانوئل کانت، فیلسوف تجربه‌گرای آلمانی از خلال آثار او در زمینه فلسفه تاریخ و الهیات و اخلاقیات بررسی شده است. جالب است که امانوئل کانت هرگونه تلاش برای اثبات یا رد خدا را به شیوه عقل نظری مردود دانست ولی با این حال او به وجود خدا معتقد ماند زیرا وجود خدا را از دیدگاه عقل عملی لازم می‌شمرد.

جامعه‌شناسی شناخت



انتشارات قطر
۱۳۹۴

رابطه کلی بین جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را می‌توان در شکل مثالی تصور کرد که یک گوشه آن را انسان‌شناسی طبیعی (زیست‌شناسی انسانی)، گوشه دیگر را روان‌شناسی انسان‌شناختی و گوشه سوم را جامعه‌شناسی انسان‌شناختی تشکیل می‌دهند. در این صورت، دانش‌های زیست‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی کلینیکی سه ضلع مثلث ما خواهند بود.